

استثمار معنوی

8 خرداد 1391

علی فرح‌بخش / رادیو کوچه

خوش‌بختانه یا متأسفانه، چند سالی‌ست که علوم معنوی از قبیل یوگا، ریکی، سایکیک، انرژی درمانی، مدیتیشن و غیره در ایران، رشد زیادی داشته‌اند.

با روی کار آمدن دولت «محمد خاتمی»، فضای نسبتن بازی ایجاد شد که باعث نشر کتاب‌های علوم معنوی، و متعاقب آن، گسترش کلاس‌های علوم روحی و معنوی بسیاری در ایران شد. کلاس‌هایی که پیش از آن نیز به‌صورت پراکنده وجود داشت، اما با رونق بیشتر کتاب‌های علوم روحی، تعداد آن، رو به افزایش گذاشت و همه‌گیرتر شد.

اساتیدی که کار آموزش علوم روحی در این قبیل کلاس و دوره‌ها را عهده‌دار شدند، عموماً از دو گروه فراتر نبودند. گروه اول، شامل کسانی بود که خارج از ایران، دوره‌هایی در زمینه‌ی خاصی گذرانده بودند، و گروه دیگر که جمعیت کثیری را شامل می‌شدند، افرادی بودند که با مطالعه‌ی کتاب‌هایی در زمینه‌های مختلف علوم روحی و معنوی و یا گذراندن دوره‌هایی در داخل ایران، به اصطلاح، به مقام استادی رسیده بودند. بعضی از کلاس‌های مربوطه، به جویندگانی که دوره‌ای را از سر می‌گذراندند، مدارکی نیز اعطا می‌کردند که گاه به مهر و امضای یک استاد «خارجی» هم مزین شده بود و به‌نظر می‌رسید که «غیر ایرانی» بودن آن استاد، کافی بود تا اعتباری برای مدرک مذکور را فراهم آورد.

با گسترش هرچه بیشتر این قبیل دوره و کلاس‌ها، به‌مرور زمان، کلاه‌برداری‌ها نیز آغاز شد. شعارها و پیام‌های رنگارنگ رسیدن به درجات بالای معنوی، سرلوحه‌ی کار بسیاری از مراکز آموزش روحی قرار گرفت و البته در کمال تعجب، سبک‌های بسیاری نیز با الهام از طریقت‌های وارداتی، سربرآورد. اما ریشه‌ی پدید آمدن این معضلات چه بود؟

بسیاری از علوم روحی و معنوی وارد شده به ایران، خاستگاهی شرقی داشتند، علومی که عمومن از مذاهب و آیین‌ها و بازخوردهای معنوی شرق ریشه گرفته‌اند. برای مخاطبی که هیچ‌گونه اطلاعات و دانش پایه‌ای در زمینه‌ی این علوم نداشته و البته، حوصله‌ی چندانی هم برای تعمق در آن ندارد، رویای رسیدن زود هنگام به درجه‌ای معنوی، هم پدیده‌ی شگفت‌انگیزی محسوب می‌شد و هم می‌توانست ژست اجتماعی منحصر به فردی را ایجاد کند.

با رونق علوم معنوی و روحی وارد شده به ایران، بسیاری از طریقه‌های شرقی، دست‌مایه‌ی افرادی شدند برای کسب درآمدهای هنگفت. به‌نظر می‌رسد که بیش‌ترین قشر مواجه شده و جذب شده به این طریقت‌ها و روش‌ها را، قشری از جامعه‌ی ایران تشکیل دادند که تا حدودی از رفاه مالی برخوردار بودند و دوره‌های مذکور نیز، به‌نوعی به یک تفریح تبدیل شد تا پدیده‌ای عمیق و پایه‌ای.

بی‌شک و بدون تردید نمی‌توان تمام دوره‌های معنوی مذکور را نامناسب و فاقد ارزش دانست. بودند و هستند بسیاری از اساتیدی که زحمات بسیاری را برای پرورش ذهنی مخاطبان خود عهده‌دار شدند و هزینه‌های معقول آموزه‌های خود را نیز دریافت کرده‌اند.

اما نمی‌توان سودجویی بسیاری را در این میان نادیده گرفت. بسیاری که با خواندن چند کتاب و یا گذراندن دوره‌ای چند هفته‌ای یا چند ماهه، خود را استاد فرض کردند و خواسته و یا ناخواسته، پلی شدند برای گذر رهروان ساده‌اندیشی که خودشان نیز در این میان بی‌تقصیر نبودند.

طریقه‌هایی که از مکاتب و آیین‌های بسیار گسترده و پیچیده‌ی شرقی یا مدرن سربرآورده بودند، به پدیده‌هایی نزول یافتند که فقط در حد یک ابزار، کاربرد پیدا کرده و عمومن هم راه به مقصد مناسبی نبردند.

هیجان‌زدگی بسیاری از مخاطبان این قبیل دوره‌های به اصطلاح «روحی و معنوی»، عامل بسیار موثری در سودجویی عده‌ای شد. دولت نیز در این میان و در آغاز امر، با بی‌تفاوتی و عدم نظارت صحیح و اصولی خود، موجب گسترش جریان‌ی شد که پس از مدتی، از کنترل خارج شد و طبق روال معمول، در انتها به خشونت و برخورد سفت و سخت انجامید و در این میان، آن گروه از افرادی هم که راه را به‌طور معقول و معمول می‌پیمودند نیز، در آتش سوختند و منزوی شدند.

به‌نظر می‌رسد که علوم روحی و معنوی، نه تنها در ایران، بلکه در جهان، همواره مورد سواستفاده نیز بوده‌است. بهره‌ی عده‌ای منفعت‌طلب در این میان، نه تنها به سردی بسیاری از مخاطبان‌شان انجامید، که بسیاری از علوم روحی و معنوی را نیز، بی‌اعتبار کرد.

در هر حال به‌نظر می‌رسد که روند گرایش به‌چنین مباحثی در ایران امروز، با وجود دغدغه‌های مالی بسیاری از اقشار متوسط جامعه که رو به تنزل مالی هستند، نه تنها عمیق‌تر نشده، بلکه به سطح نیز گرایش پیدا کرده و یا محو شده‌است و در این میان، کم نیستند افرادی که مایلند با خواندن یک کتاب یا

انجام یک هفته‌ای طریقه‌ای معنوی، به پرواز درآیند و زیر و زیر جهان را تحت کنترل ذهن خود درآورند. و البته هم‌چنان هستند افرادی که با استثمار معنوی گروهی از مشتاقان، هنوز به سودجویی‌های خود ادامه می‌دهند و در سفسطه‌بافی نیز، مهارت‌های ویژه‌ای دارند.
